## زائران خارجی اربعین در قاب دوربین

روایت «عبدالحمید شمس‌اللهی» آزاده، جانباز و مترجم صلیب سرخ

۲۲

## تمدن بدون نیروی اخلاقی پیشرفت نخواهد کرد

نگاهی به علل و اسباب مفاسد اخلاقی از منظر استاد شهید مرتضی مطهری

۲۳

## آنچه از دست هر کس ساخته نیست

نقاشی قهوه‌خانه‌ای جریانی کم و بیش یگانه در هنر معاصر ایران به‌حساب می‌آید

۲۴



# همشهری فرهنگ

چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۴۰۱ ■ ۱۷ صفر ۱۴۴۴ ■ سال سی‌ام ■ شماره ۸۵۹۲

تنها بازمانده موج نوی سینمای فرانسه و یکی از مهم‌ترین فیلمسازان تاریخ سینما درگذشت

# بی گدار

چهره

سعید مروتی
روزنامه‌نگار


ژان-لوک گدار در ۹۱ سالگی درگذشت. خبرش را ابتدا روزنامه لیبراسیون و به نقل از نزدیکان گدار منتشر کرد؛ خبری که خیلی زود تیتر یک رسانه‌ها شد. همه سردبیران و روزنامه‌نگارانی که شاید برخی‌شان از گدار فقط «از نفس افتاده»اش را دیده یا فقط نامش را شنیده باشند، هم واقف به جایگاه و اهمیتش بودند و شاید نکته اصلی درباره تنها بازمانده موج نوی فرانسه که دیروز خرقه تهی کرد، همین باشد. شاخص‌ترین چهره سینمای هنری اروپا و تنها بازمانده موج نوی فرانسه که ظهورش سینما را متحول کرد، سال‌های طولانی بود که آثارش کمتر دیده و فهمیده می‌شد، ولی هیچ فیلم دشوارياب، پیچیده و مبهمی نمی‌توانست چیزی از اهمیت، جایگاه و جذابیت گدار بکاهد. رادیکال‌ترین فیلمساز تاریخ سینما، لقبی است که واقعا برازنده‌اش است. روح خلاق و ماجراجویش، به‌خصوص در یک‌دهه اول فعالیت هنری‌اش، تجربه‌هایی در اختیار سینما گذاشت که کار فیلمسازان تجربه‌گرا و هنری‌ساز بعد از خودش را هم سخت کرد و هم آسان. سخت از این منظر که دقیقا چه شعبده‌ای می‌خواستند رو کنند که او قبلا بهترش را رو نکرده باشد و آسان از این منظر که بعد از گدار، سینما با آغوش بازتری به استقبال خرق‌عادت‌ها و تجربه‌های تازه و متفاوت می‌رفت. اینکه هر فیلمسازی که نسبتی با سینمای متفاوت دارد، مدیون یا تحت‌تأثیر (مستقیم یا غیرمستقیم) گدار است، حتی اگر اغراق‌آمیز باشد، خالی از حقیقت نیست. او در روزهای اوجش در دهه ۶۰ میلادی مرزهای سینما را جلوتر برد و الهام‌بخش فیلمسازان نسل‌های بعد خود در دهه‌های متمادی شد.

### طراوت و جوانی تمام‌نشدنی

موج نو، «از نفس افتاده» و گدار همواره مظهر جوانی و طراوت بوده‌اند؛ مظهر عصیان و انقلاب در برابر سنت‌های قراردادی؛ نویدبخش نسیمی که هنوز هم به سینما می‌وزد. میان فیلمسازان موج نوی سینمای فرانسه، فرانسوا تروفو، قطعا هنرمند بااحساس‌تری بود و ژاک ریوت و کلود شابرول، فیلمسازان «معقول»تری با جهانی منسجم‌تر و ساختارمندتر. در عوض گدار میان رفقایش از همه یاغی‌تر و غیرقابل پیش‌بینی‌تر بود؛ یک شورشی تمام‌عیار که خودانگیختگی آشوبنده‌اش او را بیشتر با قاعده‌شکنی- این اصل خدشه‌ناپذیر موج نو- همخوان نشان می‌دهد؛ کارگردانی که بارها و بارها و از همان فیلم اولش به سینما و نمونه‌های قراردادی‌اش ارجاع داد، ولی هرگز فیلمی متعارف نساخت. میشل پواکار در «از نفس افتاده» با آن حس سرزندگی و عشقش به سینما که در شیفتگی به شخصیت سینمایی بوگارت متجلی می‌شود، روحیات خالقش را نیز بازتاب می‌دهد. موج نوی سینمای فرانسه با این فیلم و «چهارصد ضربه» تروفو شکل گرفت و خیلی زود تبدیل به مهم‌ترین جریان سینمایی سال‌های پس از جنگ شد. موج نوبنیان‌های سینما را به لرزه درآورد و بی‌شک سهم گدار پررنگ‌تر از دیگر دوستانش بود. تروفو حتی در روزهایی که در اوج خصومت با او به سر می‌برد، درباره‌اش اینگونه می‌گفت: «۲نوع سینما داریم؛ سینمای قبل از گدار و سینمای بعد از گدار.»

### دوره درخشان گدار

«پی‌یرو خله»(۱۹۶۵) که شاید بهترین فیلمش باشد، سبک رها و قاعده‌شکن گدار و ارجاع‌های تمام‌نشدنی‌اش به متون ادبی- فلسفی در کنار حس سرزندگی و پویایی، مرز میان هنر عامه‌پسند و هنر متعالی را برمی‌دارد. ژان‌پل بلموندو پس از تجربه موفق «از نفس افتاده»، در همکاری پرثمر دیگری با گدار، بهترین حضور سینمایی‌اش را به ثبت رسانده است. سیر حوادث و اتفاق‌ها، بدعت در روایت داستان و آن رودست زدن‌های گدار به تماشاگر این‌بار با خلاقیتی سرشار همراه شده است. تغییر لحن مکرر فیلم و پرداختی غیرقراردادی از موقعیتی قراردادی، هنوز پرطراوت به‌نظر می‌رسد. در «مذکر- مونث» (۱۹۶۶)، آشفتگی نه عارضه فیلم که انتخاب فیلمساز است تا التهابات سیاسی- اجتماعی فرانسه در آن مقطع زمانی را به تصویر بکشد. «تعطیلی آخر هفته» (۱۹۶۷) آخرین فیلم درخشان گدار در مرحله اول فیلمسازی‌اش است؛ فیلمی که به سیاق گدار هم تغییر لحن می‌دهد و هم تغییر ژانر؛ زوج جوان بورژوامسلکی که مدتی است قصد دارند یکدیگر را بکشند و بعد تصمیم می‌گیرند در تعطیلات آخر هفته، از نیتشان منصرف شده و به سفر بروند. گدار سویه هولناک زندگی مدرن را با لحنی کنایی به تصویر می‌کشد و تقریبا هر غیرممکنی را ممکن می‌سازد.

### دشوار مثل گدار

هر چه گذشت گدار فیلم به فیلم تلخ‌تر و غیرقابل فهم‌تر شد. بیشتر فیلم‌های ۳دهه اخیرش، گرچه سر و صدا به پا کردند، ولی کمتر فهمیده شدند؛ از «تاریخ سینما»هایش تا «در ستایش عشق»اش (که این آخری بهمن ۱۳۸۰ در جشنواره فیلم فجر هم به نمایش درآمد و برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم بخش بین‌الملل هم شد. در نهایت هم کسی پیگیر این ماجرا نشد که آیا جایزه جشنواره فیلم‌فجر به دستش رسید یا نه؟). گدار متاخر فیلمسازی بود که ارتباط برقرار کردن با فیلم‌هایش بسیار دشوار (اگر نخواهیم بگوییم غیرممکن) است و جالب اینکه او همچنان پرکار ماند و با آنکه بارها ندای «پایان سینما» را سر داد، (احتمالا بیشتر از هر فیلمساز دیگری)، همچنان دلبسته دیالکتیک پیچیده و چندوجهی تصویر و صدا ماند. فیلم‌هایش خوب یا بد، نشانی از سن‌وسالش ندارند و صحبت‌های اغلب جنجالی‌اش نشان می‌داد که او هنوز می‌تواند همان کارگردان انقلابی و جوانی باشد که با رفقایش در مه ۱۹۶۸، بساط جشنواره کن را به هم ریخت. مرگش بی‌شک ضایعه‌ای است برای سینما و نشانه و تأکیدی بر پایان یک دوران.

مکث

### منتقد پرشور کایه‌دو سینما

**در سال ۱۹۳۰ در خانواده‌ای متوسط پاریسی به دنیا آمد. در سوئیس و پاریس تحصیل کرد و در سال‌های جنگ جهانی دوم تابعیت سوئیس را پذیرفت. در جوانی به سوربن رفت و در رشته قوم‌شناسی به تحصیل پرداخت. از همین دوران بود که به یک فیلم‌بین حرفه‌ای تبدیل شد و کم‌کم شروع به نوشتن درباره فیلم‌ها کرد. با انتشار کایه‌دوسینما، گدار هم به آنجا رفت و در کنار فرانسوا تروفو، پرشورترین نویسنده کایه بود. هرقدر که تروفو این شور را با احساس می‌آمیخت، گدار از همان ابتدا روحیه عصیانگرش را به رخ کشید. در گروه نویسندگانی که در کایه علیه سینمای سنتی و محافظه‌کار فرانسه می‌نوشتند، گدار یکی از سردمداران بود. به تعبیر اریک‌رد، گدار، شابرول، تروفو، ریوت و اریک‌رومر منتقدان نیمه‌وقتی بودند که بعدازظهر بیشتر روزها به «سینما تک» می‌رفتند و از این طریق بود که با هم آشنا شده بودند. کشف سینمای آمریکا هم در همین دوران رخ داد. گدار منتقدی پرشور بود؛ منتقدی که متخصص نوشتن جملات قصار بود و حکم‌هایش را هم با قاطعیت صادر می‌کرد و اصلا هم در بند تأویل و تفسیر آکادمیک نبود. گدار مانند دیگر دوستانش در کایه، نقدهای تندوتیزی به فیلم‌های پرطمطراق فرانسوی وارد می‌کرد و آنها را فاقد روح و بداعت می‌خواند و در عوض ستایشگر پرشور فیلمسازان آمریکایی‌ای بود که تا آن زمان چندان جدی گرفته نشده بودند.**

مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در گفت‌وگو با همشهری:

# واگذاری کتابخانه‌ها غیر کارشناسی است

موضع‌گیری‌ها در قبال خبر واگذاری کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور همچنان ادامه دارد. روز یکشنبه که این خبر منتشر شد، موجی از مخالفت‌ها در برابر این تصمیم در فضای مجازی و رسانه‌ها به راه افتاد و حتی عده‌ای این اقدام را به تعطیلی کانون و برچیده‌شدن بساط یکی از قدیمی‌ترین نهادهای فرهنگی کشور تعبیر کردند. مطابق گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر هیأت دولت «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با هدف کاهش زیان‌دهی شرکت دولتی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و تأمین بخشی از هزینه‌ها از محل کاهش و صرفه‌جویی در هزینه‌ها با استفاده از ساختار و ظرفیت موجود در نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و نیز به منظور افزایش و همسان‌سازی حقوق کارکنان این کانون، خواستار صدور مجوز برای واگذاری کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور شده است.»

در این گزارش، مشروعیت این واگذاری با چنین استدلال‌هایی توضیح داده شده است: «درحال حاضر در تمامی کتابخانه‌های عمومی نهاد، بخش کودک وجود دارد و سعی شده طراحی فضا و تجهیزات بخش کودکان به تناسب شرایط سنی آنها انجام شود. ایجاد بخش‌های جدید همچون اتاق علم، اتاق مادر و کودک، برنامه‌های فرهنگی و ترویجی همچون «با هم بخوانیم»، باشگاه‌های کتابخوانی، جمع‌خوانی، قصه‌گویی، روزنامه‌دیواری و کاردستی و...، تولید کتاب هدهد سفید (ویژه نوجوانان)، راه‌اندازی محافل ادبی جوانه‌ها، جشنواره‌ها و پویش‌هایی همانند «نشان هدهد سفید»، «قصه‌گویی»، «جشنواره کتابخوانی رضوی» و... از جمله اقداماتی است که برای اعضای کودک و نوجوان این نهاد در کنار تأمین منابع اطلاعاتی مناسب، انجام شده است.» اما از نظر مخالفان، این استدلال‌ها به‌هیچ‌وجه این واگذاری را مشروع و منطقی جلوه نمی‌دهد. کانون از ابتدای فعالیتش تا امروز با کتابخانه‌هایش و برنامه‌هایی که در آنها اجرا می‌شود، عجین شده است. از این‌رو، به اعتقاد منتقدان این تصمیم، انتقال کتابخانه‌های کانون به نهادی دیگر به معنای از بین بردن بخشی از هویت و موجودیت کانون و حذف بخشی از تاریخ این نهاد فرهنگی است. در این‌باره حمیدرضا شاه‌آبادی، نویسنده ادبیات کودک و نوجوان، در یادداشتی نوشت: «نمی‌توان منکر شد که این نهاد ارجمند به دلیل ضعف مدیریت و تدبیر که در سالیان گذشته دچارش بوده، تا حد زیادی دچار افت کیفی شده. اما زیرساخت‌هایش چنان محکم است که با کمی توجه و کمک می‌تواند مجددا از جا برخیزد و دستاوردهای درخشانی به فرهنگ ما ارائه کند. بنابراین به جای تعطیلی و ادغام کانون باید دست آن را بگیریم و یاری‌اش کنیم تا خودش را دوباره بسازد. اگر جز این باشد تعطیلی معتبرترین و پرفایده‌ترین نهاد فرهنگی کشور حاصلی جز عقبگرد شدید در حوزه فرهنگ و بروز یأس در میان اهالی آن نخواهد داشت.»

حامد علامتی، مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در واکنش نخست به این موضوع در توییتر با هشتگ پیگیری نوشت: «بال مُرغک کانون کتاب است و آشیانه آن کتابخانه‌هایش، صفحات پرافتخار آن از هم جدا نخواهد شد.» همچنین او با هشتگ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در توییتی دیگر اعلام کرد: «کتابخانه روح پرورش فکر و اندیشه کودک و نوجوان است و جزء لاینفک کانون.» اما این واکنش‌ها باعث نشد موج نارضایتی از واگذاری کتابخانه‌های کانون فروکش کند. با علامتی تماس گرفتیم تا نظرش را درباره این موضوع جویا شویم. او ما را به بیانیه‌ای که دیروز در این‌باره منتشر کرده ارجاع داد، اما در سخنانی کوتاه به همشهری گفت: «این موضوع در حد پیشنهاد بوده و ما به دنبال آن هستیم که با ادله منطقی و متقن منتفی‌اش کنیم. این پیشنهاد از طرف ما هم نبوده و از جای دیگری بوده است. ما ادله آورده‌ایم که این کار غیرکارشناسی است.» وی در ادامه افزود: «ما در کانون کتابخانه تخصصی کودک و نوجوان داریم و از طرفی هم کتابخانه‌های ما مربی دارد. یعنی بستر فعالیت کانون کتابخانه است و در حدود ۶۰نوع فعالیت فرهنگی و هنری و ادبی توسط مربیان برای مخاطبان در حال اجراست. این پیشنهاد هنوز مصوب نشده و در حد پیشنهاد بوده؛ تلاش ما این است که آن را منتفی کنیم.» علامتی در پیامی که دیروز درباره این موضوع منتشر کرده گفته: «ما در کانون از همه ظرفیت نهادهای مسئول در این زمینه کمک خواهیم گرفت و سیاست نظام مقدس جمهوری اسلامی، سرمایه‌گذاری فرهنگی تربیتی برای نسل آینده انقلاب خواهد بود و به این ترتیب با همراهی و حمایت وزیر آموزش و پرورش، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر مسئولان خدوم و بزرگوار، امید آن می‌رود در دولت محبوب و مردمی سیزدهم، مراکز فرهنگی-هنری کانون بتواند چتر خدمات ارزشمند و بی‌بدیل خود را بر سراسر ایران اسلامی عزیز و فرزندان این مرز و بوم بگستراند.» همچنین، روز گذشته، وزارت ارشاد درباره طرح واگذاری کتابخانه‌های کانون پرورش فکری متنی را در ۶بند منتشر کرد که در بند۵ آن چنین آمده: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ضمن آن که انتشار یک گزارش کارشناسی را که هنوز فرایند بررسی‌های قانونی خود را حتی در کمیته و کمیسیون‌های تخصصی دولت نیز شروع نکرده، عملی نادرست می‌داند و جوسازی‌ها و انتشار اخبار دروغین نظیر تعطیلی و انحلال کتابخانه‌های کانون را نیز عملی غیراخلاقی و در عین حال متوقع از سوی برخی جریان‌ها می‌داند، تأکید می‌کند اصل درخواست برای حمایت بیشتر، تقویت و هم‌افزایی جریان فرهنگی و اصیل و ترویج کتابخوانی بوده است.»

## آیینه‌داران آفتاب

**نشست رونمایی از پوستر و هماهنگی ستاد جاماندگان اربعین حسینی با حضور مدیرکل هنرهای نمایشی و معاون فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران روز گذشته برگزار شد.**

**به گزارش روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی، کاظم نظری، مدیر کل هنرهای نمایشی در این مراسم گفت: «همکاران ما زحمت بسیار زیادی برای کنار هم قرار دادن ۱۵۰هنرمند به‌منظور برگزاری رویداد بزرگ «آیینه‌داران آفتاب» در مراسم راهپیمایی اربعین انجام داده‌اند. خوشحالیم که در اربعین امسال هنرمندان بزرگ کشور ما از شهرها و نواحی مختلف، آیین‌نمایی می‌کنند و آیین‌ها و مناسک خود را در معرض دید همگان قرار می‌دهند و امیدوارم این برنامه‌ها تداوم پیدا کند.**

**علیرضا فاطمیان‌پور، معاون سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران گفت: این مراسم چیزی کم داشت و آن هم همین آثار فاخرِ هنری بود. آثاری که اتفاقا هنری متعالی برای مردم است. هنر یک قالب است و زمانی که مفهوم به آن عمق می‌دهد، جاویدان می‌شود. در پایان این نشست، پوستر رویداد «آیینه‌داران آفتاب» رونمایی شد.**

## منوچهر صادق‌پور از دنیا رفت

**منوچهر صادق‌پور هنرمند قدیمی سینما شامگاه ۲۱ شهریور ماه از دنیا رفت و مراسم خاکسپاری‌اش پنجشنبه برگزار می‌شود. عبدالله علیخانی تهیه‌کننده سینما با تایید این خبر به ایسنا گفت: این تهیه‌کننده، کارگردان و بازیگر قدیمی سینما که در سن ۸۶ سالگی بر اثر عوارض کهولت سن از دنیا رفت، در چند سال گذشته در شمال کشور زندگی می‌کرد و پیکرش برای خاکسپاری به تهران منتقل خواهد شد. به گفته او، پنجشنبه ۲۴ شهریور ماه راس ساعت ۱۰ صبح از سالن عروجیان بهشت زهرا (س) تهران، پیکر این هنرمند قدیمی به سمت مقبره خانوادگی‌شان در شماره ۹۲ بدرقه می‌شود.**

## تانر تمام کرد

**آلن تانر، فیلمساز پیشگامان جنبش موج نوی سینمای سوئیس در ۹۲سالگی درگذشت. به‌گزارش همشهری، آلن تانر فعالیت خود را در اواخر دهه ۱۹۵۰ آغاز کرد. او به همراه همکارانش «میش سوتر»، «کلود گورتا»، «ژان لوئی روی» و «ژان ژاک لاگرانژ» موسوم به «گروه ۵»، به راه‌اندازی موج جدید کوچک‌تر سوئیس در دهه ۱۹۷۰ کمک کرد. اولین فیلم بلند «تانر» با عنوان «شارل، مرده یا زنده» بود که در سال ۱۹۶۹ ساخته شد و نقطه آغاز سینمای سیاسی در سوئیس بود. از دیگر فیلم‌های او می‌توان به «یوناس که در سال ۲۰۰۰ میلادی ۲۵ساله می‌شود» محصول ۱۹۷۶ و «سال‌های خوش گذشته» (در ایران با نام سودای پرواز نمایش داده شد) که جایزه بزرگ جشنواره فیلم کن ۱۹۸۱ را از آن خود کرد، اشاره کرد.**

خبر

## درگذشت یوسفی‌نژاد

اصغر یوسفی‌نژاد، کارگردان، روزنامه‌نگار و مولف کتاب کتاب‌شناسی سینمای ایران و برنده جایزه سی و پنجمین جشنواره جهانی فیلم فجر بر اثر عارضه مغزی درگذشت.

به‌گزارش همشهری، این کارگردان تبریزی که با فیلم «ائو/ خانه» مورد توجه منتقدان سینما قرار گرفت، بر اثر خونریزی مغزی در بیمارستان مورد عمل جراحی قرار گرفته بود.

این هنرمند و فیلمساز برجسته تبریزی به فاصله چند روز پس از عمل جراحی درگذشت.

فیلم ائو ساخته اصغر یوسفی نژاد در سی‌وپنجمین جشنواره جهانی فیلم فجر ۳ سیمرغ بهترین فیلم هیأت داوری نت‌پک و جوایز بهترین فیلم و فیلمنامه بخش مسابقه بین‌الملل را دریافت کرده بود.

جدیدترین فیلم اصغر یوسفی نژاد، «عروسک» نام دارد.

روزنامه همشهری که چندین یادداشت از این روزنامه نگار و فیلمساز فقید را منتشر کرده، درگذشت این هنرمند را به خانواده‌اش تسلیت می‌گوید.

یادداشت

خسرو دهقان


## خداحافظی با مرد آرام و موقر ادبیات سینمایی

به یاد اصغر یوسفی‌نژاد که رفتنش غافلگیرمان کرد

۱ بسیار غافلگیر شدم. هیچ‌چیز در زندگی برای من به بدی، تلخی و زشتی غافلگیری نیست. خبر تلخ این بود: «اصغر یوسفی‌نژاد درگذشت.» چند روزی بود که در جریان بیماری و به کما رفتنش بودیم و اساسا کل این ماجرا غافلگیرکننده بود. برای اینکه فکر می‌کردیم اصغر یوسفی‌نژاد جزو آدم‌هایی است که از سلامتی کامل برخوردار است؛ از آنهایی که ماه‌ها و سال‌ها می‌گذرد و حتی یک تب هم نمی‌کنند. به‌عنوان دوستی که با اصغر در تماس بودم هیچ‌وقت علائمی از بیماری در او ندیدم و اگر هم بیماری‌ای در کار بوده از دید ما و حتما خودش، پنهان مانده بود. بسیار غافلگیر شدم و اندوهگین...

۲ تسلیت می‌گویم به اهالی سینمای ایران. به همه سینمایی‌نویسان، به هوشنگ گلمکانی و عباس یاری که مجله‌شان پایگاه اصغر یوسفی‌نژاد بود. تسلیت می‌گویم به همسر و فرزندانش و خانواده و دوستانش. تسلیت می‌گویم به شهر تبریز و اهالی فرهنگ و هنرش که یوسفی‌نژاد بچه این شهر بود و تسلیت می‌گویم به افرادی که درگیر و علاقه‌مند به ادبیات سینمایی هستند که یکی از مهم‌ترین کتاب‌ها در این حوزه تالیف اصغر یوسفی‌نژاد است؛ «کتابشناسی سینما در ایران از ۱۳۰۶ تا ۱۳۹۴» و در جریانم که یوسفی‌نژاد کتاب‌های این چند سال اخیر را هم فیش‌برداری و آماده کرده بود که انتظار داشتیم همین روزها جلد دوم کتابش که شامل آثار منتشرشده از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ بود هم منتشر شود. روحش شاد که در دقت، نظم، مهربانی و نزاکت مثال‌زدنی بود. من آدم‌های زیادی را در زندگی دیده‌ام و با آنها محشور بودم، ولی شبیه به اصغر یوسفی‌نژاد کم و بیش سراغ ندارم...

۳ این سعادت را داشتم که مقدمه کتاب «کتابشناسی سینما در ایران» را برای اصغر یوسفی‌نژاد بنویسم و یک مطلب هم سال‌ها پیش درباره ایشان در ماهنامه فیلم نوشتم. در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ در جشن کتاب خانه سینما که من دبیرش بودم، یوسفی‌نژاد به‌عنوان داور همراه ما بود...

۴ ۲فیلم بلند سینمایی دارد که اولی فیلم معروف «ائو» است که به زبان ترکی آن را ساخت که خیلی هم مورد توجه قرار گرفت. فیلم بعدی‌اش «عروسک‌ها» هم به تهیه‌کنندگی دوست گرامی‌مان جلیل اکبری صحت ساخته شد...

۵ بسیار غم‌انگیز است رفتنش. نمی‌شود گفت جایگزین ندارد، ولی یافتن فردی مثل اصغر یوسفی‌نژاد خیلی سخت و لااقل از تصور و تخیل من خارج است. خیلی غافلگیر شدم. نمی‌دانم چه بوده و چه شده است. هیچ زمینه و نشانه‌ای از بیماری نداشت. وقتی در جریان بیماری دوست، همکار و آشنایی هستیم که مدت‌ها درگیر ناخوشی و مشکل جسمانی حادی است، با خبر رفتنش راحت‌تر کنار می‌آییم. این جوری رفتن خیلی تلخ است. همه آنها که به‌نحوی با اصغر یوسفی‌نژاد مرتبط بودند و او را می‌شناختند سوگوارند و من شریک غمشان هستم؛ به‌خصوص علاقه‌مندان به ادبیات سینمایی، نوشته‌ها و کتاب‌های سینمایی که اصغر یوسفی‌نژاد عمرش را پای آن گذاشت.